



پیامدهای اجتماعی طلاق

اکرم سادات موسویان
am_152@yahoo.com

موثر بر طلاق را به چند دسته تقسیم کرده است. عوامل زیستی مانند عدم تناسب سن ازدواج، بیماری و نازایی، بخش نخست را تشکیل می‌دهد. مشکلات و مسائلی اجتماعی و روانی-اجتماعی از قبیل احساس نارضایتی، ناهماهنگی میان زوج‌ها، فشارهای عصبی و خشونت نیز بخش دیگری را تشکیل داد. و عوامل اقتصادی، فقر و فقدان منابع مالی و امکانات هم از این جمله‌اند. همچنین عوامل فرهنگی به دلیل نقش بسیار مهمی که در جامعه ایفا می‌کنند به عنوان دسته‌ای دیگر از دلایل موثر در جدایی مورد اشاره قرار گرفته است.

آسیب‌های اجتماعی طلاق

با اینکه طلاق در دین مبین اسلام حلال شمرده شده، اما در متون دینی و احادیث متعدد با کراهت از آن یاد و منفورترین حلال خداوند لقب گرفته است. در حدیثی از پیامبر اسلام آمده است که "طلاق عرش خدا را به لرزه در می‌آورد" و به زوجین صریحا توصیه شده است تا آن‌جا که می‌توانند از این پدیده شوم بزرگتر باشند. همان‌طور که اشاره شد در صورتی که قبل از ازدواج، با بصیرت و شناخت کافی با این مقوله برخورد شود، چه بسا مسیر زندگی به سمت آرامش و صمیمیت سوق داده شود و نیازی به درگیر شدن با پدیده طلاق وجود نخواهد داشت. اما در شرایطی نیز چاره‌ای جز پذیرفتن این امر وجود ندارد و زوجین مصلحت را در این می‌بینند که با جدایی، مابقی عمر را دور از جنجال و نگرانی سپری نمایند. بنابراین اصل مساله طلاق یک ضرورت است اما ضرورتی که باید به حداقل ممکن کاهش یابد. در این شرایط تلاش برای به حداقل رساندن

آمار و تلاش برای عملی نمودن راه حل‌ها در جامعه است که می‌تواند راهگشای حل معضلات پیش‌رو باشد. آمار بالا ممکن است بسیار نگران‌کننده باشد بخصوص برای جامعه ایران که حفظ کیان خانواده در آن از جایگاه والایی برخوردار است. اما نکته‌ای که کارشناسان امر بایستی به آن توجه داشته باشند این است که جامعه ایران به عنوان یک جامعه در حال گذار نه تعلقات خود را به طور کامل از جامعه سنتی جدا نموده و نه اینکه به طور کامل به یک جامعه مدرن تبدیل شده است. بنابراین بایستی راه حل‌هایی را در نظر گرفت که با درد کمتری شاهد عبور از این مرحله باشیم.

علل شایع طلاق

طلاق به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی، دارای علل بسیار گسترده‌ای است و از دخالت‌های نابه‌جای اطرافیان گرفته تا مشکلات معیشتی و سوء رفتارهای زوجین را در برمی‌گیرد. حتی گاهی علت اصلی طلاق در پس عدم تفاهات و مشکلات پیش پا افتاده مخفی می‌شود تنها به این علت که زوجین از بیان آن اکراه دارند.

شهرنشینی و تغییر نگرش‌ها و الگوهای زندگی که خود از پیامدهای زندگی صنعتی است نیز به این امر دامن زده و گستردگی طلاق را در خانواده‌ها موجب شده است. از همین روست که کراهت و قبح طلاق در خانواده‌ها از بین رفته و "سوختن و ساختن" برای زوج‌های جوان امروزی هیچ معنایی ندارد، به طوری که با کمترین اختلافی راحت‌ترین گزینه یعنی طلاق را برمی‌گزینند. دکتر کاظمی‌پور در یک تقسیم‌بندی کلی عوامل

"بر اساس آمار اعلام شده، نرخ رشد طلاق طی سال‌های ۸۰ تا ۸۵، به ۹/۲ درصد رسیده است و این در حالی است که رشد ازدواج در کشور ۳/۹۶ درصد است". از آن‌جا که خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی به حساب می‌آید، هرگونه تزلزل در آن زنگ خطری جدی برای مسوولان است. در واقع با افزایش آسیب‌پذیری بنیان خانواده، آسیب‌های اجتماعی دیگر نیز مجال بروز و ظهور می‌یابند و از همین روست که بسیاری از کارشناسان از طلاق به عنوان مهم‌ترین آسیب اجتماعی نام می‌برند که می‌تواند پیامدهای نگران‌کننده‌ای را با خود به همراه داشته باشد.

آمار و ارقام اعلام شده در دو سال اخیر در خصوص ازدواج و طلاق چندان خوشایند نیست. چندی پیش، مدیر کل دفتر آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی اعلام نمود که در سال گذشته، ۷۸۸ هزار و ۲۳ مورد ازدواج و ۹۴ هزار و ۴۰ مورد طلاق به ثبت رسیده است. و همچنین نسبت رشد طلاق نسبت به ازدواج ۱۲/۱ درصد اعلام نمود در حالی که این میزان در سال ۸۴، ۱۰/۷ درصد بود.

معاون مطالعات و تحقیقات سازمان جوانان نیز تعداد ازدواج ثبت شده در سه ماهه اول سال ۸۶ را ۲۲۴ هزار و ۷۸۹ مورد عنوان کرد که نسبت به مدت مشابه در سال ۸۵، ۱۱/۵۵ درصد رشد را نشان می‌دهد. آمار طلاق نیز در ۳ ماهه اول سال ۸۶، ۲۳ هزار و ۶۶۳ مورد گزارش شده در حالی که در سه ماهه اول سال ۸۵، ۲۲ هزار و ۱۹۴ واقعه‌ای طلاق به ثبت رسیده است.

آنچه مسلم است اینکه آرایه آمار و ارقام به تنهایی مشکلی را حل نمی‌نماید، بلکه تجزیه و تحلیل درست

آسیب‌های اجتماعی طلاق تنها راه حل ممکن به نظر می‌رسد. زن و مردی که از یکدیگر جدا می‌شوند از نظر شرایط روحی بسیار آسیب‌پذیر شده و با یک نوع بدبینی و سوء ظن به جامعه می‌نگرند. این افراد حتی پس از ازدواج مجدد نیز همواره در نگرانی به سر می‌برند که مبادا در این ازدواج نیز تجربه تلخ گذشته تکرار شود. زوجینی که از یکدیگر جدا می‌شوند بخصوص خانم‌ها، پس از طلاق شانس یک ازدواج مناسب را از دست خواهند داد و جامعه به سختی آنها را پذیرا می‌شود. این زنان اغلب یا با مردانی که شرایط مشابه آنها را دارند ازدواج می‌کنند یا با افرادی که همسرشان فوت نموده و در برخی موارد نیز خواسته یا ناخواسته به عنوان همسر دوم، کانون خانواده‌ای دیگر را متلاشی می‌کنند.

"فرزندان طلاق" در این میان بیشترین آسیب را خواهند دید، چه اینکه این کودکان به این علت که از ابتدا شاهد جنجال‌های خانوادگی بوده‌اند از روحیه حساس و شکننده‌ای برخوردارند و به ندرت دیده شده که با فرد دیگری که به جای مادر یا پدر به زندگی آنها وارد می‌شوند ارتباط خوبی برقرار نمایند. "فرزندان طلاق" معمولاً این فشارهای روحی را تا آخر عمر با خود به همراه داشته و در برخی موارد نیز این آسیب‌های روحی در غالب حس انتقام از جامعه بروز می‌نماید و فرد را از داشتن یک زندگی سالم محروم می‌کند. حتی در شرایطی که والدین از ازدواج مجدد خودداری نمایند، این احساس کمبود در فرزندان به قوت خود باقی مانده و هیچ کدام از زوجین نمی‌توانند حضور یکدیگر را در زندگی فرزندان خود پر نمایند. این احساس نیاز به حمایت پدر و محبت مادر آنها را از لحاظ روحی آسیب‌پذیر خواهد ساخت. بنابراین با وجود این آسیب‌ها و هزاران آسیب دیگری که از زوایای مختلف جامعه را با تهدید مواجه می‌سازد، کارشناسان، طلاق را به عنوان آخرین راه حل برای زوجین توصیه می‌نمایند.

تفاوت فرهنگ غربی و ایرانی در برخورد با مقوله طلاق

جامع صنعتی غربی به این دلیل که از مرحله گذار عبور نموده و جامعه را به سمت یک ثبات نسبی سوق داده‌اند کمتر با تبعات طلاق در جامعه مواجه می‌شوند. در این گونه‌ها جمع به علت وجود فرهنگی متفاوت از فرهنگ ایرانی، طلاق امری پذیرفته شده است و زوجین پس از جدایی بدون هیچ نگرانی به زندگی خود ادامه می‌دهند. چرا که مطلقه بودن در این گونه‌ها جمع نه تنها امری ناپسند و نکوهیده نیست، بلکه امری بسیار عادی

تلقی می‌شود. آمار طلاق در این گونه‌ها جمع بالا است و افراد معمولاً ترجیح می‌دهند قبل از تصمیم قطعی برای ازدواج یک زندگی مشترک را تجربه نمایند. فرزندان در این کشورها، اصولاً پس از سن ۱۸ سالگی از والدین خود جدا شده و زندگی مستقلی را تجربه می‌نمایند و قبل از آن نیز معمولاً با یکی از والدین خود زندگی کرده و بیشتر از آن که از والدین خود تأثیر بپذیرند، جامعه، اینترنت، تلویزیون و مدارس در شکل‌گیری شخصیت آنها نقش ایفا می‌کنند به همین دلیل پس از جدایی والدین از یکدیگر آسیب کمتری می‌بینند.

این چنین است که زنان نیز در این گونه‌ها جمع از استقلال اقتصادی بیشتری برخوردارند و در مواجهه با مقوله‌ی ازدواج به فاکتورهای مالی اهمیت کمتری می‌دهند و حتی پس از جدایی نیز به راحتی می‌توانند زندگی خود را اداره نمایند.

بنابراین، مقایسه آمار جامعه ایرانی با جوامع غربی اصولاً پذیرفته شده نیست. چه اینکه نگرش این گونه‌ها جمع به پدیده ازدواج و طلاق بسیار متفاوت از جامعه ایرانی است و کارکردهای خانواده که به عنوان یک نهاد اجتماعی در جامعه‌ی ما مورد توجه قرار گرفته، اصولاً در جوامع غربی بدین صورت، تعریف شده نیست.

توافق بر سر جدایی

در طلاق توافقی فرض بر این است که زن و شوهر به جدایی رضایت داشته و درباره مسایل مالی، حضانت و ملاقات فرزندان با یکدیگر به توافق رسیده‌اند. از آن جا که بر طبق مقررات حق طلاق با مرد می‌باشد، بنابراین زن با بخشیدن مالی به شوهر توافقی وی را برای طلاق جلب می‌نماید. نوع و اندازه مالی که از سوی زن به شوهر بخشیده می‌شود نیز با رضایت طرفین مشخص می‌گردد. به طور معمول، زنان با بخشش کل مهریه سعی می‌کنند به راحتی از همسر خود جدا شوند.

در حال حاضر در کل دعوای مربوط به خانواده به معنای خاص، طلاق توافقی بالاترین رتبه را داراست. بدین معنی که نه تنها زن در ادامه‌ی زندگی دچار تردید شده، بلکه مرد نیز اشتیاق چندانی به حفظ کیان خانواده ندارد و معمولاً ترجیح می‌دهند با دادن امتیازاتی به یکدیگر به زندگی مشترک خود خاتمه دهند.

در این موارد حتی مدت‌ها قبل از اینکه زن و مرد برای طلاق توافقی به دادگاه مراجعه نمایند، نوعی طلاق عاطفی در بین آنان رخ داده و این سردی روابط به مرور بی‌میلی زوجین را به ادامه مسیر زندگی مشترک افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی معمولاً تلاش دادگاه برای بازگرداندن زوجین به زندگی مشترک نیز موثر واقع

در حال حاضر در کل دعوای مربوط به خانواده به معنای خاص، طلاق توافقی بالاترین رتبه را داراست

نمی‌شود و با سرعت و سهولت بیشتری حکم طلاق صادر می‌گردد.

چه باید کرد؟

در حال حاضر بهترین راه حل، ایجاد تیم‌های تخصصی مشاوره قبل و بعد از ازدواج است تا با آرایه‌ی راهکارهای مناسب به زوجین آنان را در برقراری ارتباط موثر یاری نمایند. در این راستا می‌توان با تخصیص اعتبارات مالی و کاهش هزینه مراکز مشاوره، علاوه بر تشویق افراد به مراجعه به این مراکز، اقدام به فرهنگ‌سازی مناسب در این زمینه نمود. عموماً فرهنگ‌سراها مکان‌های مناسبی برای آرایه این گونه خدمات هستند و به موازات آن برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و آرایه مشاوره‌های تلفنی نیز می‌تواند سودمند واقع گردد.

از برنامه‌های موفق تلویزیون در این خصوص می‌توان به برنامه "هزار راه نرفته" اشاره نمود که به علت جذابیت‌های خاص، از مخاطبین فراوانی برخوردار بود. به خاطر داشته باشیم که خانواده‌های مهم اجتماعی محسوب می‌شود که تک‌تک افراد جامعه و حتی دولتمردان نیز بایستی در برابر آن احساس مسوولیت نموده و در حفظ آن بکوشند.

آمار آرایه شده که در ابتدای این نوشتار نیز به بخشی از آن اشاره شد، بیانگر این واقعیت ناخوشایند است که برخی نهادهای مسوول دولتی، در انجام وظایف خود چندان موفق نبوده‌اند و این مساله زنگ خطر را به طور جدی برای جامعه‌شناسان به صدا در آورده است.